



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أحكام غسل الجنابة

موضوع جزئی: عدم لزوم قصد وجوب و ندب در غسل

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۴ خرداد ۱۴۰۰

مصادف با: ۳ ذی القعدة ۱۴۴۲

جلسه: ۱۰۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و لا يجب فيه قصد الوجوب و الندب، بل لو قصد الخلاف لا يبطل إذا كان مع الجهل، بل مع العلم إذا لم يكن بقصد التشريع و تحقق منه قصد القرية، فلو كان قبل الوقت و اعتقد دخوله فقصد الوجوب لا يكون باطلاً و كذا العكس و مع الشك في دخوله يكفي الإتيان به بقصد القرية للاستحباب النفسي أو بقصد إحدى غاياته المندوبة أو بقصد ما في الواقع من الأمر الوجوبي أو الندبي»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، قصد وجوب و ندب در هنگام غسل کردن واجب نیست، بلکه اگر خلاف را قصد کند [، مثلاً برای غسل واجب، استحباب را قصد کند] اگر از روی جهل این کار را انجام بدهد، غسل باطل نمی شود، بلکه اگر از روی علم نیز قصد خلاف بکند، در صورتی که قصد خلاف او به قصد تشريع در دین نباشد و قصد قربت از او متمشی شود، مشکلی ندارد، پس اگر [غسل] قبل از وقت باشد و [غسل کننده] یقین کند که وقت داخل شده است، پس قصد وجوب کند، غسل او باطل نیست و عکس آن نیز این چنین است [، یعنی اگر شخص بعد از دخول وقت، یقین کند که وقت داخل نشده است و به قصد وجوب غسل کند، غسل او باطل نیست] و در صورت شک در دخول وقت، اتيان غسل، به قصد قربت کفایت می کند به خاطر استحباب نفسي داشتن غسل یا به قصد یکی از غایات مستحب یا [انجام غسل] به قصد آنچه در واقع از امر وجوبی یا مستحبی است [، یعنی اگر در واقع، غسل واجب باشد، همان را قصد می کند و اگر در واقع، غسل مستحب باشد، همان را قصد می کند].

سؤال: آیا در صحت غسل، قصد وجوب یا استحباب اعتبار دارد یا اعتبار ندارد؟

پاسخ: به نظر مرحوم سید (ره)، قصد وجوب یا استحباب در صحت غسل، معتبر نیست، بلکه اگر غسل کننده از روی جهل، قصد خلاف کند، غسلش باطل نمی شود، بلکه اگر از روی علم، قصد خلاف بکند ولی قصد او به نیت تشريع در دین نباشد و قصد قربت از او متمشی شود، غسلش صحیح است.

دلیل عدم لزوم قصد وجوب یا ندب در غسل

دلیل اینکه قصد وجوب یا ندب در صحت غسل، معتبر نیست این است که دلیلی بر لزوم قصد وجه، چه به صورت وصف و چه به صورت غایت وجود ندارد و در کتب فقهی نیز گفته شده است که قصد وجه لازم نیست، این مطلب قبلاً در شرایط وضو بیان شد. اما بعضی از بزرگان در رابطه با کلام مرحوم سید (ره) که نوشته است: «بل لو قصد الخلاف لا يبطل إذا كان مع الجهل»، اشکال کرده و گفته اند که اطلاق این کلام مرحوم سید (ره)، با فرمایش ایشان در باب وضو منافات دارد زیرا مرحوم سید (ره) در باب وضو، در فرض جهل به خلاف، به بطلان وضو شده قائل است و گفته است که اگر قصد خلاف، مقید به عنوان وجوب باشد، اگر

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۹۳.

شخص از روی جهل، خلاف آن را قصد کند، وضویش باطل است. در باب وضو، گفته شد که اطلاق مطابق قاعده است و وضو مطلقاً صحیح است و دلیلی بر لزوم قصد وجه وجود ندارد بدون اینکه فرقی باشد بین اینکه از باب خطا در تطبیق باشد یا خطا در تطبیق نباشد، به صورت تقیید باشد یا به صورت تقیید نباشد. گفته می‌شود که اگر شخص، قصد خلاف کند، قصد خلاف او موجب بطلان غسل نمی‌شود، چه بر وجه تقیید باشد و چه بر وجه تقیید نباشد و چه خطا در تطبیق باشد و چه خطا در تطبیق نباشد زیرا دو صورت در رابطه با آن قابل تصویر است و در این دو صورت، اعتقاد بر این است که مطلقاً مشکلی پیش نمی‌آید، صورت اول، اینکه شخص، قصد وجوب یا ندب کند، صورت دوم، اینکه شخص، قصد خلاف کند و از روی جهل این قصد را بکند، مقیداً باشد یا غیر مقید باشد یا از باب خطای در تطبیق و یا از باب عدم خطای در تطبیق باشد.

اما اینکه مرحوم سید (ره) نوشته است: «بل مع العلم إذا لم يكن بقصد التشريع و تحقق منه قصد القرية»، به این معنا است که غسل در خارج به داعی امر تشریعی محقق نشده باشد، بلکه شخص غسل را به داعی امر واقعی اتیان کرده باشد و قصد قربت از او متمسکی شده است و در انطباق، تشریع شده باشد، یعنی در حالت انطباق، تشریع حاصل شده است و گرنه نیت او این بوده است که غسل را به داعی امر واقعی انجام داده است، در این صورت مشکلی پیش نمی‌آید چون تحقق تشریع، غیر از اتیان عمل به قصد تشریع است، بلکه اگر شخص، عمل را به قصد تشریع انجام بدهد، مشکل پیش می‌آید، ولی اگر شخص عمل را به قصد تشریع انجام ندهد، بلکه در عمل، منطبق بر تشریع شود، مشکلی پیش نمی‌آید.

مرحوم سید (ه) در ادامه فرموده است: «و الواجب فيه بعد النية غسل ظاهر تمام البدن دون البواطن منه، فلا يجب غسل باطن العين والأنف والأذن والفم ونحوها»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، آنچه در غسل واجب است، شستن ظاهر تمام بدن است و شستن باطن بدن لازم نیست، پس واجب نیست که باطن چشم، بینی، گوش، دهان و امثال آن شسته شود. در رابطه با مقدار شستن در غسل، در دو مقام بحث می‌شود؛ **مقام اول**، این است که شستن ظاهر تمام بدن واجب است.

دلیل وجوب شستن ظاهر تمام بدن در غسل

عده‌ای بر وجوب شستن ظاهر تمام بدن، ادعای اجماع کرده‌اند. مرحوم شیخ طوسی (ره) در کتاب خلاف، مرحوم علامه (ره) در تذکره، مرحوم شهید اول (ره) در ذکری و مرحوم صاحب مدارک (ره) در مدارک بر این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند. مرحوم صاحب جواهر (ره)^۲ فرموده است که مرحوم محقق خوانساری (ره) فرموده است که شستن تمام ظاهر بدن لازم نیست؛ «بعدم الاعتداد ببقاء شيء يسير لا يخل عرفاً بغسل جميع البدن»^۳؛ بقاء چیز مختصری از بدن [در هنگام غسل] که عرفاً به صدق شستن بدن، مخل نیست، اعتنا نمی‌شود.

روایاتی نیز بر وجوب شستن ظاهر تمام بدن دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند؛

۱. همان.

۲. محمد حسن، نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۸۲.

۳. آقا حسین بن محمد، خوانساری، مشارق الشموس فی شرح الدرر، ج ۲، ص ۴۶۴.

روایت اول: صحیح زرارہ: عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ، فَقَالَ: «تَبْدَأُ فَتَغْسِلُ كَفَّيْكَ ثُمَّ تُفْرِغُ يَمِينَكَ عَلَى شِمَالِكَ فَتَغْسِلُ فَرْجَكَ وَ مِرْفَقَكَ ثُمَّ تَمَضُّضٌ وَ اسْتِنْشِقُ ثُمَّ تَغْسِلُ جَسَدَكَ مِنْ لَدُنْ قَرْنِكَ إِلَى قَدَمَيْكَ لَيْسَ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ وَ ضَوْءٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَمْسَسْتَهُ الْمَاءَ فَقَدْ أَتَقَيْتَهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا جُنِبًا ارْتَمَسَ فِي الْمَاءِ ارْتِمَاسَةً وَاحِدَةً أَجْزَأَهُ ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ يَدُلُّكَ جَسَدُهُ»^۱.

از تعبیر «ثُمَّ تَغْسِلُ جَسَدَكَ مِنْ لَدُنْ قَرْنِكَ إِلَى قَدَمَيْكَ»، استفاده می شود که شستن ظاهر تمام بدن در غسل، واجب است.

روایت دوم: صحیح ابی نصر: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ يَعْنِي ابْنَ أَبِي نَصْرٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ، فَقَالَ: «تَغْسِلُ يَدَكَ الْيُمْنَى مِنَ الْمِرْفَقَيْنِ إِلَى أَصَابِعِكَ وَ تَبُولُ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى الْبَوْلِ ثُمَّ تُدْخِلُ يَدَكَ فِي الْإِنَاءِ ثُمَّ اغْسِلُ مَا أَصَابَكَ مِنْهُ ثُمَّ أَفْضُ عَلَى رَأْسِكَ وَ جَسَدِكَ وَ لَا وَضُوءَ فِيهِ»^۲.

روایت سوم: موثقہ عمار بن موسی: عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ؛ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ تَغْتَسِلُ وَ قَدْ امْتَشَطَتْ بِقَرَامِلَ وَ لَمْ تَنْقُضْ شَعْرَهَا كَمْ يُجْزِيهَا مِنَ الْمَاءِ؟ قَالَ: «مِثْلُ الَّذِي يَشْرَبُ شَعْرَهَا وَ هُوَ ثَلَاثُ حَفَنَاتٍ عَلَى رَأْسِهَا وَ حَفَّتَانِ عَلَى الْيَمِينِ وَ حَفَّتَانِ عَلَى الْيَسَارِ ثُمَّ تَمُرُّ يَدَهَا عَلَى جَسَدِهَا كُلِّهِ»^۳.

دو روایت ذیل در رابطه با وجوب شستن مو در هنگام غسل جنابت وارد شده اند که از باب اولویت گفته می شود که اگر شستن مو واجب باشد، به طریق اولی باید همه ظاهر بدن شسته شود چون مو از بدن محسوب نمی شود، بلکه از توابع بدن است و وقتی شستن تابع لازم باشد، شستن متبوع که بدن است به طریق اولی لازم خواهد بود.

روایت چهارم: وَ فِي كِتَابِ الْمُقْنِعِ؛ قَالَ: رُوِيَ «أَنَّهُ مَنْ تَرَكَ شَعْرَةً مُتَعَمِّدًا لَمْ يَغْسِلْهَا مِنَ الْجَنَابَةِ فَهُوَ فِي النَّارِ»^۴.

روایت پنجم: صحیحہ حجر بن زاید: عَنْ حُجْرِ بْنِ زَائِدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ شَعْرَةً مِنَ الْجَنَابَةِ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي النَّارِ»^۵. بعضی گفته اند که «شعرة» که به صورت نکره آمده است کنایه از قلت است، به این معنا که اگر شخص در هنگام غسل کردن، عمداً مقدار کمی از مو را نشسته باشد، در آتش خواهد بود، وگرنه در اصل شستن موی بلند بحث است که آیا در هنگام غسل کردن، لازم است که موهای بلند نیز حتماً شستن شوند یا لازم نیست که موهای بلند شسته شوند، بنابراین، وقتی شستن مقدار کمی از مو نیز در هنگام غسل کردن، واجب باشد، شستن تمام ظاهر بدن نیز واجب خواهد بود.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۲۶، ص ۲۳۰، ح ۵.

۲. همان، ح ۶.

۳. همان، باب ۳۸، ص ۲۵۷، ح ۶.

۴. همان، باب ۱، ص ۱۷۳، ح ۲.

۵. همان، ص ۱۷۵، ح ۵.